

جذب و سرگرم کند. خود آناهایی هم که سریال می‌سازند می‌دانند که زندگی واقعی با آنچه که آنها نشان می‌دهند و روایت می‌کنند، فرق دارد. این فرهنگ پاپولار در همه دنیا وجود دارد و مختص ترکیه نیست.

«اما خیلی از مردم ایران به‌واسطه تماشای همین سریال‌ها رفتند و زبان ترکی استانبولی یاد گرفتند و دوست دارند ترکیه را ببینند یا به کشور شما و سفر به آن علاقه‌مند شدند. درواقع سریال‌های ترکیه‌ای به‌نوعی یک کارکرد توریستی داشتند.

خُب استانبول شهر بسیار زیبایی است و جاذبه‌های گردشگری بالایی دارد و لزوماً وابسته به سریال‌ها نیست. با این حال این خاصیت جانبی هر محصول تصویری می‌تواند باشد که کنجکاوی مخاطب را نسبت به یک جغرافیا و سرزمین برانگیزد و همسایگی ایران و ترکیه هم کمک می‌کند تا مردم راحت‌تر به این کشور سفر کنند و آن را از نزدیک ببینند.

«به نظر‌تان دلیل اقبال سریال‌های ترکیه‌ای چیست؟ به هر حال الان در ایران، سینمای ترکیه را اغلب با سریال‌های ترکیه‌ای می‌شناسند.

فقط در ایران نیست که سریال‌های ترکی طرفدار دارد؛ من در جزیره هاوایی هم شاهد بودم که یک نفر در حال تماشای سریال ترکی است. فکر می‌کنم سریال «حربم سلطان» بود. راستش من خودم اهل تماشای سریال نیستم و نگاه نمی‌کنم. حتی ساخت سریال هم به من پیشنهاد شد ولی قبول نکردم. چیزی که من دوست دارم یک سینمای واقعی و رئالیستی است، شما گفتید تعداد کمی از مخاطبان سینمای جیلان و سینمای هنری را دوست دارند. به نظرم مهم نیست. مهم این است که این سینما وزن دارد، فیم می‌شود و ماندگار می‌ماند. سریال‌ها حتی پرطرفدارهایش هم بعد از مدتی ممکن است از یاد بروند اما سینمای جدی که با هنر و اندیشه گره خورده، ماندگار می‌شود؛ این مهم است.

«مسئله این است که الان در خیلی از کشورها ازجمله در ایران صنعت سریال‌سازی رونق بیشتری از سینما دارد و گردش مالی بیشتری در این چرخه صورت می‌گیرد؛ به‌طوری‌که خیلی از کارگردان‌های سینما و بازیگران به سمت این مدیوم آمده‌اند و به‌تدریج سریال‌سازی دارد جای فیلمسازی را می‌گیرد و به‌نوعی پلتفرم‌ها در حال بلعیدن سینما هستند. آیا در ترکیه هم با چنین تجربه و وضعیتی مواجه هستید؟ یا آنجا سینمای هنری و تجاری مرزبندی‌های خود را داشته و در کنار هم پیش می‌روند؟

نه. در ترکیه این دو قلمرو مستقل از هم فعالیت می‌کنند و اینطور نیست که مثلاً فیلمسازان مستقل یا سینماگران هنری به سمت سریال‌سازی بروند یا بالعکس. درواقع قلمرو سینمای تجاری و تبلیغاتی از سینمای هنری و تجربی تفکیک شده، مرزها مشخص است و هرکدام استقلال و اصالت خود را دارند.

«فیلم «در گذر زمان» شما را دیدم، احساس کردم که واقعیت زندگی و آدم‌های واقعی در ترکیه همین است که در این فیلم می‌بینم. نه در سریال‌های ترکی. این فیلم به‌دلیل سوبه رئالیستی‌اش تصویری واقعی‌تر از ترکیه و زندگی مردم و روابط آدم‌ها را به نمایش می‌گذاشت. اینطور نیست؟

موافقم. من هم فکر می‌کنم این تصویر واقعی از زندگی است و اساساً علاقه من به این جنس از سینما به همین دلیل است و از علاقه به روایت واقعیت زندگی می‌آید. درواقع هدف اصلی من از فیلمسازی و سینما، به تصویر کشیدن زندگی است و آنچه در حیات بشری رخ می‌دهد. دغدغه من قبل از هر چیزی نشان دادن جریان زندگی است؛ همانطور که هست. من در این شکل از فیلمسازی هم سینما را یاد می‌گیرم، هم زندگی را. آنچه برایم مهم است این است که زندگی در فیلم‌های من در جریان باشد.

«جالب اینکه چالش‌های عاطفی که بین زن و مرد در فیلم شما بود دقیقاً از جنس همان چالش‌هایی است که در زندگی مشترک در ایران می‌بینیم و به نظر می‌رسد که سنخیت‌های فرهنگی ایران و ترکیه را می‌توان در شباهت همین تجربه‌ها، سبک زندگی و روابط انسانی شاهد بود.

به نظر من رابطه در زندگی از هر کاری سخت‌تر است. اگر در محل کار با مشکلی مواجه شوید یا از آن راضی نباشید، می‌توانید شغل‌تان را عوض کنید ولی وقتی در یک رابطه غلط قرار دارید بیرون آمدن از آن خیلی از شما انرژی می‌گیرد و دردناک است. پیچیدگی رابطه در این است که هم باید دنبال یک آدم مناسب بگردی و هم زندگی یک آدم مناسب را سر راحت قرار دهد. درواقع رابطه خوب هم حاصل انتخاب است، هم شانس. دنیای مدرن به انسان‌ها آموخته لزومی ندارد که ازدواج کنید یا بچه‌دار شوید وقتی امکان تجربه یک رابطه خوب فراهم نیست. ضمن اینکه گاهی در زندگی مدرن، فردیت آدم‌ها در ازدواج یا رابطه تهدید می‌شود و این یک تضاد درونی بین آدم‌ها ایجاد کرده و به یک چالش در جهان امروز بدل شده است. تا ۳۰ و ۳۵ سالگی شاید تنهایی خیلی آزاردهنده نباشد اما بعد از آن به‌ویژه ۴۰ سالگی

به‌بعد انگار تنهایی سخت می‌شود. شخصیت اصلی فیلم من هم دقیقاً در حال تجربه بحران میانسالی است و این بر روابط عاطفی‌اش تأثیر گذاشته و دچار بلاتکلیفی شده است. در چنین موقعیتی به نظرم زن‌ها راحت‌تر تصمیم می‌گیرند اما مردها دچار شک و تردید بیشتری هستند و تصمیم‌گیری برای آنها سخت‌تر است. وقتی من فیلمنامه این فیلم که بخش اول یک سه‌گانه است را می‌نوشتم، در شرایط بحرانی بودم. هم تازه از یک رابطه طولانی بیرون آمده بودم و هم پدرم را از دست داده بودم اما موقع ساخت فیلم، متاهل بودم و از آن بحران‌ها عبور کرده بودم. رد همه این تجربه‌ها را می‌توان در فیلم دید. برای همین معتقدم که سینما می‌تواند به روایت جریان زندگی و واقعیت‌های آن تبدیل شود و کمک کند تا زندگی بهتری را تجربه کنیم.

«نظر منتقدان چقدر برای شما مهم است و آیا نقد منتقدان ترکیه را می‌خوانید و دنبال می‌کنید؟ و اساساً جریان نقد فیلم در ترکیه را چطور ارزیابی می‌کنید؟

خُب اگر بخواهم به‌صراحت بگویم ممکن است منتقدان ترکیه‌ای ناراحت شوند. ولی بله. من برخی از نقدها را می‌خوانم و به نظرم این یک فرصت خوب برای ارزیابی فیلمساز در آینده دیگری است؛ به‌ویژه منتقد که یک مخاطب آگاه و حرفه‌ای است.

«من رگه‌هایی از نگاه اگریستانسبالیستی به زندگی و انسان را در فیلم شما دیدم که به نظرم می‌توان با طیف‌های متنوعی از مخاطبان از هر جای جهان ارتباط برقرار کند. واقعیت این است که حال جهان و انسان معاصر خوب نیست و مدام در جست‌وجوی

معنایی برای رنج‌ها یا تاب‌آوری آنهاست. به نظر شما سینما چقدر می‌تواند به این حال خوب کمک کند و چقدر می‌تواند به هنری رهایی‌بخش تبدیل شود؟

اساساً وقتی انسان یک رنج عمیقی را تجربه می‌کند، یک موقعیتی از افسردگی را هم تجربه می‌کند. آن وقت است که خودش باید به خودش کمک کند. این به این معنا نیست که دیگران برای‌شان مهم نیست که ما حال‌مان بد است اما مسئله این است که خودش باید بتواند به رهایی خودش از این وضعیت کمک کند.

«خُب در اینجا سینما می‌تواند به آن دیگری آگاه و رهایی‌بخشی تبدیل شود که به دیگران کمک کند تا یاد بگیرند چطور می‌توانند به خودشان کمک کرده و از بحران‌ها عبور کنند.

دقیقاً همینطور است. درواقع سینما می‌تواند به تجربه یک تریایی تبدیل شود؛ نه‌فقط برای مخاطب که حتی برای خود فیلمساز. وقتی رنجی که داری را در درون فیلم و قصه‌ات می‌ریزی و آن را روایت می‌کنی مثل یک دارو و تریایی می‌ماند که به درمان تو یا مخاطب کمک می‌کند. این یکی از خاصیت‌های مهم سینما و به‌طور کلی روایتگری است که نوعی درمانگری در آن وجود دارد. وقتی چیزی مرا رنج می‌دهد، به یک پرسش شبیه می‌شود که آن را در ساخت فیلم به قصه تبدیل می‌کنم تا راهی به التیام آن بیابم. درواقع رنج را به فیلم تبدیل می‌کنم؛ به یک اثر هنری. وقتی فیلم ساخته شد احساس سبکی و آسودگی دارم. انگار برای رنجم کاری کرده‌ام یا رنجم را به یک امر خلاقه تبدیل کرده‌ام و این خود به رنج معنا می‌دهد و تحملش را آسان‌تر می‌کند. به نظرم وقتی انسان احساس کند کاری که از دستش برآمده را انجام داده، از رنجش کم می‌شود. سینما برای من تجربه همین احساس است.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - اداره کل ثبت اسناد و املاک مازندران

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
برابررای هیات به شماره ۱۴۰۳/۸۰۴۶/۱۴ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهشهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ابراهیم اعظمی قره تپه فرزند قربانعلی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی مساحت ۱۴/۴۶۹۶ مترمربع به شماره کلاسه ۱۴۰۲/۲۵۰۸ قسمتی از پلاک ۵۹- اصلی واقع در اراضی قره تپه بخش ۱۸ ثبت بهشهر مالکیت خریداری شده از مالک غیررسمی وراث مرحوم قربانعلی اعظمی قره تپه به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روزآگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند و بدیهی است در صورت انقضاء مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۸/۱۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۸/۲۰

شناسه آگهی: ۱۸۱۴۹۳۹

محمد حسن صادقی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بهشهر

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - حوزه ثبت ملک منطقه یک گرگان

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۰۱۰۰۹۳۰۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۳۱۳۴۱۲۰۰۱۰۰۰۰۴۴۵ تقاضای خانم گیانه کریمی طالقانی به شماره شناسنامه و کد ملی ۲۱۱۰۱۰۰۶۶ صادره از گرگان فرزند عیسی در شش‌دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده که مقدار سه سهم مشاع از بیست و یک سهم شش‌دانگ عرصه آن وقف است به مساحت ۲۲۰ از پلاک شماره ۲۶۷- اصلی واقع در اراضی چینیان بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۸/۲۷

شناسه آگهی: ۱۸۱۵۹۳۱

مهدی شاه مهری سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان

سازمان ثبت و اسناد املاک کشور - حوزه ثبت ملک منطقه یک گرگان

آگهی اختصاصی موضوع ماده۳ قانون وماده۱۳ آیین نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۰۱۰۰۰۹۳۰۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۰۱۰۰۰۰۴۴۴ تقاضای خانم گیانه کریمی طالقانی به شماره شناسنامه و کد ملی ۲۱۱۰۱۰۰۶۶ صادره از گرگان فرزند عیسی در شش دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده که مقدار سه سهم مشاع از بیست و یک سهم شش دانگ عرصه آن وقف است به مساحت ۲۰۰ از پلاک شماره ۲۶۷- اصلی واقع در اراضی چینیان بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۸/۲۷

شناسه آگهی: ۱۸۱۵۹۳۴

مهدی شاه مهری- سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - اداره کل ثبت اسناد و املاک مازندران

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای محمد مرندی با ارائه دو برگ شهادت شهود که در دفترخانه اسناد رسمی ۲۹۲ بابل تصدیق امضاء شده است، طی درخواست ۱۴۰۳۲۲۱۶۱۰۰۰۰۴۰۳۲۶۹۹ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۳۰ اعلام نمودند که سند مالکیت ایشان به میزان شش‌دانگ در پلاک ۷ فرعی از ۱۳۰۰- اصلی بخش دو ثبت بابل به شماره سریال ۶۸۶۴۶۳ بر اثر جابه جایی مفقود گردیده لذا در اجرای ماده ۱۲- اصلاحی آیین نامه قانون ثبت و تبصره‌های ذیل آن در صورتی که تا ۱۵ روز تا انتشار آگهی اعتراضی نرسیده یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشده باشد نسبت به صدور سند المثنی اقدام خواهد شد. شماره سریال مفقودی: ۶۸۶۴۶۳ می‌باشد. تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲

شناسه آگهی: ۱۸۱۶۸۱۵

سید مهدی حسینی کریمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بابل

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک غرب اصفهان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
برابر آرا صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه غرب اصفهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نماید. ردیف ۱- برابر رای شماره ۲۱۶۷۸ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۵ هیات اول مالکیت آقای داود حق شناس به شناسنامه شماره ۷۵۳۱۸ کدملی ۱۲۸۱۸۴۸۵۸۱ صادره اصفهان فرزند رضا نسبت به دو دانگ مشاع از شش‌دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۳۸/۴۰ مترمربع پلاک شماره ۶۸ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان مع الواسطه از صمد مزروعی سیدانی فرزند رحیم تایید و محرز گردیده است. ردیف ۲- برابر رای شماره ۲۱۶۸۳ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۵ هیات اول مالکیت آقای احمد ایمانی زاده به شناسنامه شماره ۴۹۳۸۷ کدملی ۱۲۸۱۵۹۰۹۴۰ فرزند محمدعلی نسبت به دو دانگ مشاع از شش‌دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۳۸/۴۰ مترمربع پلاک شماره ۶۸ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان مع الواسطه از صمد مزروعی سیدانی فرزند رحیم تایید و محرز گردیده است. ردیف ۳- برابر رای شماره ۲۱۶۸۱ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۵ هیات اول مالکیت آقای مسعود صادقی علویچه به شناسنامه شماره ۸۱ کدملی ۱۰۹۲۰۷۶۸۳۳ صادره اصفهان فرزند محمد نسبت به دو دانگ مشاع از شش‌دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۳۸/۴۰ مترمربع پلاک شماره ۶۸ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان مع الواسطه از صمد مزروعی سیدانی فرزند رحیم تایید و محرز گردیده است.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۸/۲۷

شناسه آگهی: ۱۸۱۶۹۳۸

شهرداری - رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک غرب اصفهان

گرامافون

آنچه تورم بر سر موسیقی هنری آورده است



عطا نویدی

پژوهشگر

موسیقی ایرانی

این روزها باز هم شاهد جهش قیمت دلار هستیم و این دیگر خبری نیست که ما را متعجب کند. هر بخش از جامعه در این روزگار به‌نوعی درگیر این گرانی می‌شود و همین بهانه‌ای است تا آنچه گرانی بر سر هنر و صنعت موسیقی می‌آورد را بررسی کنیم

این که موسیقی همچون سینما از هنر گذر کرده و وارد صنعت شده یا نه، جای حرف و حدیث‌های بسیار دارد. بخشی از موسیقی پاپ چندسالی است که تبدیل به صنعت شده و فـارغ از نوع موسیقی‌ای که عرضه می‌کند-هدفش از عرضه‌ی موسیقی صرفاً یک عمل اقتصادی است و تهیه‌کنندگان این نوع موسیقی نیز از آن تبدیل به یک چرخه‌ی سود و سرمایه و هزینه کردند تا از دل خود تولید ثروت و سرمایه کنند. این نوع موسیقی به‌دلیل نگرش تهیه‌کنندگان و بهتر است بگویم صاحبان تفکر هنر اقتصادی مانند هر صنعت دیگری از تورم، آسیب‌های فراوان می‌بیند اما با نگرشی که ذکر شد سعی کرده‌اند در بحران‌های کوچک و بزرگ اقتصادی و اجتماعی سرمایه و کسب‌وکارشان را حفظ کنند و همواره با ایجاد نیاز در مخاطب، بازگشت سرمایه‌ی خود را تضمین نمایند.

اما موسیقی هنری یا جدی در بسیاری از جوامع وارد چرخه‌ی اقتصادی نشده و نخواهد شد. در جوامعی که مهد موسیقی کلاسیک دنیاست هم موسیقی هنری با سوسپد و کمک‌های بلاعوض دولتی اداره می‌شود و ناگفته پیداست در جامعه‌ای که بحران اقتصادی پول‌سازترین صنعت‌ها را هم نتوان کرده، تکلیف موسیقی هنری چیست.

با تورم افسارگسیخته‌ای که چند سالی است مردم با آن دست به گریبان‌اند، آمار استقبال از کنسرت‌های جدی به‌شدت کاهش یافته‌است. این را بگذاریم در کنار افزایش چندین برابری اجاره‌ی سالن‌های اجرای موسیقی که اکثراً دولتی‌اند و تقریباً هیچ تفاوت و تفکیکی بین موسیقی جدی و تجاری قائل نیستند؛ تا توان برگزاری کنسرت‌های جدی و هنری را بستجیم. این روزها اگر همتی از سوی هنرمندان و اندک حمایتی صورت گیرد و کنسرتی برگزار شود؛ باز هم شاهد خیل صندلی‌های خالی در سالن‌های کوچک هستیم. مخاطبان موسیقی هنری و جدی که عموماً از افشار فرهنگی، دانشگاهی و دانشجویی هستند با افزایش تورم، موسیقی و کنسرت را از سبد اقتصادی‌شان حذف کرده‌اند. نشر و فروش آثار موسیقی نیز در مرحله‌ی ورشکستگی قرار دارد. همین بلابا ر سر آموزشگاه‌های موسیقی هم آمده؛ پس از شیوع کرونا و شرایط شبه‌قرنطینه‌ای که وجود داشت باعث شد اکثر کلاس‌ها به سمت آنلاین و آفلاین برود و کلاس‌های حضوری تعطیل شد. تورم‌های بعد از کرونا، توجهی برای اجاره‌ی محل آموزشگاه‌ها نداشت و با خیل تعطیلی آموزشگاه‌هایی مواجه شدیم که مکان استیجاری داشتند. فروش ساز نیز متعاقب پایین آمدن آمار هنر جو در کشور، کاهش چشمگیری داشته و به مانند هر صنعت دیگری، انسان که نوپا و ضعیف‌تر بودند از بین رفته و محو شدند.

اما یکی از فاجعه‌بارترین بخش‌ها، تهیه‌ی سازهای جهانی و کلاسیک است. این سازها که عمدتاً وارداتی هستند و هیچ سوسپد و کمک دولتی و دلار سهمیه‌ای نصیب‌شان نمی‌شود با قیمت‌های چندین برابری نسبت به سال‌های قبل در بازار وجود دارند. خرید سازهای خانواده‌ی ویولن عملاً تنها برای افشار پردرآمد ممکن است و خرید پیانونیز تبدیل به رؤیا شده!

هنر جوانی که سال‌های قبل، نواختن سازهای کلاسیک را آغاز کرده بودند امروز پس از پیشرفت، توان خرید ساز حرفه‌ای ندارند و با همان سازهای هنرجویی تمرین و اجرا می‌کنند، تعویض سیم‌های خانواده‌ی ویولن عملاً به وام بانکی نیاز دارد و در توان مالی هیچ هنرمندی نیست؛ ماجرا آن قدر جدی شده که برخی به خرید سیم‌های دست دوم هنرمندان حرفه‌ای روی آورده‌اند. همین عوامل باعث پایین آمدن کیفیت اجراها شده و کنسرت‌ها رو به بد صدا شدن - با وجود تبخر هنرمندان و رهبران ارکستر- پیش می‌رود.

قطعاً تأثیرات مخرب گرانی در موسیقی فراتر از آن چیزی است که در این یادداشت اشاره شد و گمان می‌رود تنها با تدبیر و کمک جدی از سوی دولت می‌توان اثرات تورم را بر موسیقی کاهش داد.